چرخش به «چپ» برزیل

جامعه دوقطبی، چالش بزرگ «لولا»

پیروزی لولا در انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل، این سیاست‌مدار چپ‌گرا را که سال‌ها قبل به دلیل فساد از قدرت کنار رفته بود، دوباره به جایگاه اول سیاست در برزیل بازگرداند.

«لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا» در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل موفق شد با اختلاف کمتر از دو درصد آرا، ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهوری فعلی و رهبر راست افراطی را شکست دهد. به این ترتیب، لولا که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ سکان اداره برزیل را در اختیار داشت، پس از ۱۱ سال بار دیگر رئیس‌جمهوری منتخب مردم برزیل شد.

لولا، ۷۷ساله، پنج سال پس از آنکه در پی اجرای تحقیقات گسترده درباره فساد عمومی، به جرم پول‌شویی به زندان افتاد، بازگشتی چنین به سطح اول سیاست را رقم زد. او در سال ۲۰۱۷ به ۹ سال و نیم حبس محکوم شد، اما این حکم در سلسله جلسات دادگاه عالی که از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ برگزار شدند، لغو و او از زندان آزاد شد. دادگاه حکم داد که قاضی او نگاه جانبدارانه داشته و برای رسیدگی به پرونده صلاحیت نداشته است.

لولا در سخنرانی پس از پیروزی خود قول داد این کشور دستخوش دودستگی را متحد کند و برای حفاظت از جنگل‌های بارانی آمازون، کمک بین‌المللی درخواست کرد. او گفت به جای بستن قراردادهای تجاری که «کشور ما را تا ابد به صادرات مواد خام محکوم می‌کند»، به دنبال تجارت جهانی منصفانه است.

بر اساس داده‌های پژوهشگاه فضایی برزیل (اینپه) جنگل‌زدایی در آمازون در همین ۱۲ ماه گذشته، ۶۴ درصد افزایش داشت و بر منطقه‌ای وسیع‌تر از شهر نیویورک اثر منفی گذاشت. این پس از آن است که در دو سال نخست دولت کنونی، منطقه‌ای به وسعت بیش از ۳.۴ میلیون هکتار یعنی بیش از مساحت کشور بلژیک، از بین رفت.

مانوئل آوانته یکی از بومیان برزیل به یورونیوز می‌گوید: «بولسونارو یک بار گفته بود ای کاش ارتش برزیل با ما بومیان همان کاری را می‌کرد که سواره‌نظام ایالات متحده با بومیان آمریکا کرد. بنابراین او دوست ما نیست. مشکلات ما تمام نشده، اما امروز برای ما روز بزرگی است».

بااین‌حال، بسیاری از رأی‌دهندگان به لولا و مشتاقان پیروزی او از اتفاق‌های بعدی نگران‌اند. یک مهندس تعمیر و نگهداری به نام ویلسون می‌گوید: «البته که نگرانم. خیلی نگرانم. ۵۵ سال دارم و هرگز ندیده بودم کشورمان این‌قدر قطبی‌شده و دچار چنددستگی باشد. احتمال آنکه بولسونارو هوادارانش را به خیابان فرا بخواند، زیاد است. هواداران خشن زیادی دارد. خودم به دلایل امنیتی هیچ پوستر تبلیغاتی لولا را به در خانه یا روی ماشینم نزدم. من افرادی را می‌شناسم که از بولسونارو حمایت می‌کنند و با آنها نمی‌توان به‌هیچ‌وجه بحث منطقی کرد. به نظر آنها، هشدار درباره اتفاق‌های آمازون چیزی جز توطئه کمونیست‌ها نیست. سطح گفت‌وگوی ما در این حد است».

مارینا، دختر ۲۴ساله ویلسون و دانشجوی دانشگاه سائوپائولو، افزود: «من زیست‌شناسی می‌خوانم و بی‌شک همه باید از آنچه دارد در آمازون رخ می‌دهد، نگران باشیم. اما انواع نظریه‌های توطئه را به خورد مردم داده‌اند. این یک انکار سازمان‌یافته حقیقت است». مارینا امیدوار است خشونتی که پدرش و دیگران از آن می‌ترسند، اتفاق نیفتد. اما او طوری برنامه‌ریزی کرد که بعد از اعلام نتیجه در خانه باشد: «امیدوارم مردم معقول باشند و تمام اختلاف‌ها در دادگاه حل‌وفصل شود. اما نمی‌توان مطمئن بود و فعلا از خانه بیرون نمی‌روم».

جو بایدن یکی از نخستین رهبران جهان بود که به لولا تبریک گفت و بر «آزاد، بی‌طرفانه و معتبر بودن» انتخابات برزیل تأکید کرد. او گفت: «من مشتاقانه در انتظار ادامه همکاری بین دو کشور در ماه‌ها و سال‌های آینده‌ام». امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه نیز پیروزی را به لولا تبریک گفت و در پیامی توییتری افزود که رهبران دو کشور «پیوندهای دوستی بین کشورهایشان را احیا خواهند کرد».

دونالد ترامپ، رقیب سابق بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده، در روزهای پایانی کارزار انتخاباتی در برزیل در پی آن بود بر رأی‌دهندگان اثر بگذارد و از آنها خواست از لولا حمایت نکنند. او گفت که لولا «یک چپ‌گرای دیوانه تندرو است که کشورتان را در یک چشم به‌هم‌زدن، به فنا می‌دهد».

بولسونارو که به «ترامپ استوا» شهرت دارد، با رئیس‌جمهوری سابق ایالات متحده روابط گرمی برقرار کرد و ترامپ قبلا گفته بود که «دوستانی صمیمی» هستند. اما چه عواملی باعث شد تا لولا در انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل پیروز شود؟

عوامل پیروزی لولا

ترس از دیکتاتوری نظامیان: در حالی که بسیاری از برزیلی‌ها لولا را به خاطر فسادی که در دو دولت قبلی او افشا شد هنوز نبخشیده‌اند، اما ترسی فراگیر در میان مردم وجود داشت که بولسونارو، از فرماندهان سابق ارتش، کشور را به سمت دیکتاتوری می‌برد. بولسونارو در دوره ریاست‌جمهوری خود، اعضای نیروهای مسلح برزیل را به سمت‌های کلیدی دولتی منصوب کرد. این اقدام او به استراتژی کارزار انتخاباتی لولا کمک کرد با شعار دفاع از نهادهای دموکراتیک نگاه‌های نگران برزیلی‌ها را به خود جلب کند.

اهمال در خرید واکسن کرونا: بولسونارو در مدیریت همه‌گیری ویروس کرونا و بیماری کووید۱۹ که با تعلل در خرید واکسن، تمسخر علنی واکسیناسیون و اعمال محدودیت‌های اجتماعی همراه بود، مقصر اصلی کشته‌شدن نزدیک به ۷۰۰ هزار برزیلی شناخته می‌شود. عدم همدلی او با قربانیان بیماری کووید۱۹ و مخالفت با قرنطینه‌های اعمال‌شده از سوی برخی فرمانداران، وجهه او را در سطح داخلی و بین‌المللی تخریب کرد.

ائتلاف فراگیر لولا: لولا همان‌طور که در دو پیروزی قبلی خود در انتخابات انجام داده بود، پایگاه رأی خود را گسترش داد و با عبور از حلقه احزاب چپ به سمت جلب میانه‌روها و حتی برخی احزاب راست‌گرا حرکت کرد. او معاون خود یعنی جرالدو آلکمین را از میان رهبران راست میانه برگزید. آقای آلکمین شخصی بود که در انتخابات سال ۲۰۰۶ از لولا شکست خورده بود. همچنین فرناندو هنریکه کاردوسو، رئیس‌جمهوری سابق و از رهبران چپ میانه نیز به حمایت از لولا پرداخت.

نوستالژی کاهش فقر: رأی منطقه شمال شرقی برزیل که متشکل از ۹ ایالت فقیر و دارای تنوع نژادی است، نقش مهمی در پیروزی لولا داشت. رأی‌دهندگان این مناطق خاطرات خوبی از دوران ریاست‌جمهوری او داشتند، به‌ویژه اینکه فقر را به‌شدت کاهش داد و با اجرای برنامه‌های حمایت و تأمین اجتماعی دسترسی آنها را به مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی بهبود بخشید. آنها امیدوارند پس از تحمل تبعات اقتصادی و اجتماعی همه‌گیری کرونا باز هم با مدیریت لولا شاهد روزهای خوبی باشند.

اثر جفرسون: رابطه نزدیک بولسونارو با روبرتو جفرسون، نماینده سابق کنگره که یکشنبه گذشته، هنگامی که مأموران پلیس برای دستگیری او آمدند به سمت آنها شلیک کرد و نارنجک پرتاب کرد، موجب ریزش بخشی از آرای رئیس‌جمهوری فعلی برزیل شد. آقای جفرسون افزون بر اینکه متهم به رهبری یک گروه شبه‌نظامی ضددموکراسی است، اخیرا یک عضو زن دادگاه عالی این کشور را به صورت آنلاین تهدید کرده بود. هرچند بولسونارو به‌سرعت آقای جفرسون را «گانگستر» خطاب کرد و از او تبری جست، ولی رفتارهای دوست قدیمی او تأثیرش را بر شکست انتخاباتی او گذاشت.

توانایی سازش: لولا پس از ادای سوگند در سال آینده میلادی، باید با کنگره‌ای که تحت سلطه احزاب محافظه‌کار است، همکاری کند. حزب لیبرال بولسونارو ۹۹ کرسی معادل یک‌پنجم آنها را در اختیار خواهد داشت. این فرضیه مطرح است که بسیاری از برزیلی‌ها پس از نمایش قدرتمند جناح راست در دور اول انتخابات، به این نتیجه رسیده‌اند که کشور برای ایجاد یک اکثریت کارآمد در کنگره نیازمند یک رئیس‌جمهوری آشتی‌جو است. لولا از نخستین باری که رئیس‌جمهوری برزیل شد، توانایی خود را برای مذاکره و ایجاد ائتلاف نشان داده است.

همسویی با مسیحیان انجیلی: یک‌سوم جمعیت برزیل یعنی بیش از ۶۵ میلیون نفر آنها مسیحی انجیلی هستند. در دور نخست انتخابات، نزدیک به ۷۰ درصد آنها به بولسونارو رأی دادند، اما لولا روزهای پایانی تبلیغات خود را در دور دوم انتخابات، صرف تبلیغ میان انجیلی‌ها کرد. او نامه‌ای به مسیحیان نوشت و با افشای دروغ‌های مطرح‌شده از سوی بولسونارو علیه خود، قول داد هرگز آزادی مذهبی را در برزیل محدود نکند. او همچنین اعلام کرد موضوع به رسمیت شناختن حق سقط جنین برای زنان در اختیار کنگره است و او دخالتی در روند قانون‌گذاری نخواهد کرد.

«فانتزی» امنیت ملی بایدن

نادیا شادلو:* سند استراتژی امنیت ملی دولت بایدن که اخیرا منتشر شد، شایسته تقدیر است؛ چراکه به درستی چین را به عنوان «مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیک» آمریکا شناسایی کرده است. با این وجود، به طور هم‌زمان در آن سند از تغییرات آب‌وهوایی به عنوان تهدیدی «وجودی» برای ایالات متحده سخن به میان آمده و اشاره شده که آمریکا باید در این زمینه با پکن همکاری کند. در این موضوع، سند استراتژی امنیت ملی دولت بایدن دچار تناقض خطرناکی شده است. تمرکز بر همکاری آب‌وهوایی مقابله با تهدید چین را دشوارتر می‌کند و شانس موفقیت ایالات متحده در کاهش پایدار انتشار کربن را کاهش می‌دهد.

این سند اشاره می‌کند که چین از بازبودن اقتصاد بین‌الملل سود برده است؛ حتی در شرایطی که پکن اغلب از قدرت اقتصادی خود برای مجبورکردن کشورها به پذیرش خواسته‌هایش استفاده می‌کند و در عین حال دسترسی به بازارهای خود را محدود می‌کند.

این سند بر پیوند بین قدرت اقتصادی و امنیت ملی تأکید می‌کند و اذعان دارد که ایالات متحده به تولید کالا، گره‌زدن سیاست‌های تجاری به رفاه مردم آمریکا و حفظ مزیت رقابتی خود در فناوری‌های کلیدی نیاز دارد. همچنین، در این سند تأیید شده که موفقیت رویکرد ایالات متحده در قبال چین به کمک متحدان و شرکا نیاز دارد؛ زیرا ایالات متحده و متحدانش حدود ۶۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهند.

با این وجود، این سند از زبانی همراه با آرزو در مورد اینکه چگونه ایالات متحده و چین باید «همزیستی مسالمت‌آمیز» داشته باشند و «در پیشرفت بشری با یکدیگر سهیم باشند» استفاده کرده است. مشکل آن است که دو کشور پیشرفت انسانی و زیربنای سیاسی و اقتصادی پیشرفت را به گونه‌ای متفاوت از یکدیگر می‌بینند.

برای ایالات متحده، پیشرفت ریشه در آزادی فردی، حکومت دموکراتیک و حاکمیت قانون دارد. به سختی می‌توان این موضوع را با نیات چین منطبق کرد.

تنظیم‌کنندگان سند تلاش کرده‌اند تا ایالات متحده را بازیگری معقول و منطقی نشان دهند، اما در این روند نتوانسته‌اند جهان را آن‌طور که هست توصیف کنند. چشم‌اندازی خوشبینانه در لحن این سند وجود دارد همراه با این امید که ایالات متحده بتواند تقریبا در همه چیز با چین همکاری کند: «اقلیم، تهدیدات ناشی از پاندمی، عدم اشاعه تسلیحات کشتارجمعی، مقابله با مواد مخدر غیرقانونی، بحران جهانی غذا و مسائل کلان اقتصادی».

چنین جاه‌طلبی‌های بلندپروازانه‌ای را در کنار ساخت نیروگاه‌های زغال‌سنگ توسط چین، امتناع از اجازه تحقیقات درباره منشأ کووید، کمک و مشارکت در برنامه هسته‌ای کره‌شمالی و انفعال در برابر سازمان‌های تبهکار فراملیتی که فنتانیل را از طریق خریدهای بزرگ انرژی وارد ایالات متحده می‌کنند، قرار دهید. همچنین، این بلندپروازی سند دولت بایدن را در کنار تداوم حمایت چین از جنگ روسیه در اوکراین که منجر به بحران جهانی غذایی می‌شود، بگذارید.

علی‌رغم این واقعیت‌ها سند استراتژی امنیت ملی بایدن تأکید می‌کند که هیچ کشوری نباید از پیشرفت در موضوعات فراملی وجودی مانند بحران آب‌وهوا به دلیل اختلافات دوجانبه خودداری کند. بنابراین، در این سند، منافع آمریکا به مشکلات تاکتیکی تقلیل می‌یابد. رقابت با چین بر سر فناوری در سند بایدن صرفا یک فکر ثانویه است.

سند استراتژی دولت بایدن نتوانسته خواستار جدایی یا جدایی گزینشی از چین شود. در همین حال مفاد این سند وابستگی‌هایی را تقویت می‌کند که به پکن قدرت می‌دهد کشورهای دیگر را مجبور به پذیرش خواسته‌هایش کند. تا زمانی که این الزامات به طور مستقیم مطرح نشود، ایجاد ائتلاف‌های سیاسی داخلی برای اتخاذ تصمیمات سخت اگر غیرممکن نباشد، دشوار خواهد بود.

سند استراتژیک دولت بایدن به درستی اشاره کرده که «۱۰ سال آینده» تعیین‌کننده خواهد بود، با توجه به اینکه ما در یک «نقطه عطف» هستیم که انتخاب‌های انجام‌شده آمریکا را در مسیری قرار می‌دهد که «موقعیت رقابتی ما را تا مدت‌ها در آینده تعیین می‌کند». با این وجود، باید به نویسندگان این سند گفت دقیقا به این دلیل که «دریچه فرصت‌های ما ممکن است در حال بسته‌شدن باشد» ضروری است که واقع‌بین‌تر باشیم.

در شرایطی که بحران اوکراین پیامدهای ویرانگر حذف تدریجی گاز طبیعی، نفت و انرژی هسته‌ای را در زمانی که باد و خورشید نمی‌توانند جایگزین آن شوند نشان داده، به نظر می‌رسد این سند استراتژیک نسبت به واقعیت دچار کوربینی شده است. دولت بایدن بر «لزوم گذار از سوخت‌های فسیلی» اصرار می‌ورزد و نمی‌پذیرد که گاز طبیعی خود یک سوخت برای دوران گذار است و ایالات متحده توانایی تولید و صادرات بیشتر آن را دارد.

استراتژی بایدن وابستگی‌هایی را به چین ایجاد خواهد کرد؛ مشابه قدرت مجبورسازنده روسیه بر آلمان؛ قدرتی که ناشی از نیاز آلمان به تأمین انرژی از طریق روسیه بوده است. این موضوع در مورد توسعه جهانی نیز صدق می‌کند؛ زیرا بر سیاست‌های آب‌وهوایی بدون کربن که به کشورهای فقیر آسیب می‌زند تأکید ورزیده است. همان‌گونه که وزیر انرژی سنگال سال گذشته اظهار کرد، اعمال محدودیت برای وام‌دهی به منظور توسعه پروژه‌های نفتی و گازی مانند «برداشتن نردبان و درخواست از ما برای پریدن یا پرواز» است. در کنگره تازه پایان‌یافته حزب کمونیست چین، «شی جین‌پینگ» عزم خود را برای هدایت آنچه به عنوان یک «فرایند تاریخی برگشت‌ناپذیر» قلمداد کرده است، نشان داد؛ فرایندی که در آن چین به «انتخاب جدید» بشریت تبدیل می‌شود. اکنون زمان آن نیست که در چنین رقابتی دچار تناقض شویم و رفتار و احساسی دمدمی داشته باشیم.

منبع: وال‌استریت ژورنال

***معاون مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در دولت دونالد ترامپ**

خبر برگزیده

گزینه‌های غرب برای مقابله با حمله احتمالی اتمی روسیه

رئیس‌جمهوری روسیه با افزایش آمار کشته‌شدگان در میان نظامیان روس و پیشروی نیروهای اوکراینی در شرق این کشور، نگاهی به گزینه‌ای به‌جز جنگ کلاسیک با اوکراین دارد. گزینه‌ای که کشورهای غربی را به‌شدت نگران می‌کند: استفاده از بمب اتمی. با مانور نظامی اخیر که ولادیمیر پوتین نیز در آن حضور یافت، نگرانی از حمله به تأسیسات و نیروگاه‌های تأمین انرژی اوکراین افزایش یافته و از سخنان برخی از فرماندهان ارتش روسیه مشخص است که گزینه حمله اتمی همچنان روی میز قرار دارد. سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه چند روز پیش در اظهارنظری غیرمنتظره در گفت‌وگو با چند نفر از همتایان آمریکایی، فرانسوی و بریتانیایی خود مدعی شد «شواهدی در دست دارد که نشان می‌دهد اوکراینی‌ها به‌زودی از یک بمب کثیف» استفاده می‌کنند. به نوشته یورونیوز به گفته وزیر دفاع روسیه، این «بمب‌های کثیف» صرفا مواد منفجره بزرگی هستند که به مواد رادیواکتیو آلوده‌اند. به گفته ناتو و کشورهای عضو این پیمان، ادعاهای وزیر دفاع روسیه تنها «بهانه‌ای واهی» برای استفاده احتمالی از سلاح هسته‌ای است. اما اگر ولادیمیر پوتین به اندازه کافی از به سرانجام رساندن جنگ اوکراین ناامید شود و هم‌زمان و به اندازه کافی از سوی راست افراطی روسیه برای استفاده از بمب اتمی مورد حمایت قرار گیرد، امکان دارد به فکر بمباران هسته‌ای اوکراین بیفتد؟ رئیس‌جمهوری روسیه بارها در ماه‌های اخیر گفته است از تمام ابزارهای موجود ازجمله سلاح‌های اتمی برای دفاع از خاک روسیه استفاده می‌کند. جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، یک ماه پیش گفت که «پوتین جهان را بیش از هر زمان دیگری از زمان بحران موشکی کوبا به جنگ آخرالزمانی هسته‌ای نزدیک کرده است». در صورتی که روسیه به چنین گزینه‌ای فکر کند، اروپا و ایالات متحده چه راهی برای مقابله خواهند داشت؟ به گفته تحلیلگران اولین کاری که کشورهای عضو ناتو می‌توانند انجام دهند، فرارفتن از روندهای بی‌نتیجه نشست‌های «شورای امنیت سازمان ملل» و عبور از طرح وتوی احتمالی چین و خود روسیه است. در همین راستا، باید عضویت روسیه از سازمان ملل سریع‌تر قطع شود و محدودیت‌ها تا جایی گسترش پیدا کنند که کشورهایی همچون هند، ایران و چین نتوانند به مراودات تجاری و اقتصادی با روسیه ادامه دهند. از طرف دیگر کشورهای غربی می‌توانند نزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه روسیه در اروپا و ایالات متحده را مسدود کنند. همه این اقدامات باید اکنون به عنوان یک هشدار در مقابل دیدگان پوتین قرار گیرد تا او بهتر درک کند که واکنش به گزینه استفاده از سلاح‌های رادیواکتیو «سریع و مهیب» خواهد بود. هم‌زمان، تحلیلگران نظامی بر این باورند که اروپا و ایالات متحده باید بتوانند به هر ترتیبی از «مقابله به مثل» در صورت حمله هسته‌ای روسیه خودداری کنند. به گفته آنها، ناتو باید طرحی پیشگیرانه بریزد تا هیچ‌گاه پوتین نتواند به یک حمله هسته‌ای حتی فکر کند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت اول)
موسسه انجمن علمی پیوند سلولهای بنیادی خونساز ایران با شماره ثبت ۲۲۲۲۲
شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۵۱۵۴۲

بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن علمی پیوند سلولهای بنیادی خونساز ایران برای حضور در مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن که در روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۱ از ساعت ۱۵:۰۰ تا ۲۳:۴۵ بصورت الکترونیک به آدرس iman.behdasht.gov.ir تشکیل می گردد دعوت بعمل می آید.

دستورجلسه:
۱- انتخابات هیات مدیره و بازرس بصورت الکترونیک در سامانه کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی به آدرس http//:iman.behdasht.gov.ir

هیات مدیره انجمن علمی پیوند سلولهای بنیادی خونساز ایران

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجانب طاهره علی محمدی** فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۱۸۰۶ و شماره ملی ۰۰۵۴۴۳۴۷۳۴ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته الهیات و معارف اسلامی صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی: تهران_بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه_خیابان شهید صدوقی_بلوار وفادار_دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی **خودرو کمباین غلات داخلی جاندیر مدل 1055I** گازوئیل رنگ سبز مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۶۹۲ ک ۶۸ ایران ۱۴ و شماره موتور A9LS4M00288 و شماره شاسی IPRC1055YN1014611 به نام **غضنفر حیدری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند مالکیت (برگ سبز) **خودرو رنو ساندرو** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۴۴_۳۱۶ ل ۶۳ و شماره موتور K4MC697_R060577 و شماره شاسی NAPBSRBYNH1042273 به نام **رضا مرتضی پوراشکلک** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو دنا پلاس EF7** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۹۱ - ۳۹۴ ق ۱۱ و شماره موتور 153H0079405 و شماره شاسی NAAW61HU6NE579313 به نام **غلام مشگینی اصل** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو سایپا 111SE** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۳۸_۴۲۶ د ۹۳ و شماره موتور M13/5596368 و شماره شاسی NAS431100G5863486 به نام **ملیحه محمدزاده جقه** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک کارشناسی فارغ التحصیلی **اینجانب کیوان کاویانی** فرزند موسی به شماره شناسنامه ۲ صادره از چالوس در مقطع کارشناسی رشته عمران نقشه برداری صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران خیابان کریم خان زند خیابان ایرانشهر شمالی_نبش آذر شهر پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

مدرک گواهی فارغ التحصیلی **اینجانب زهرا محبی آشتیانی** متولد ۱۳۶۲ فرزند حسین به شماره شناسنامه ۶۱۷۳ و کد ملی ۰۰۷۵۹۷۵۶۷۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت اجرایی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به شماره ۲۱۱۴۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می گردد اصل این مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به نشانی کردستان- سنندج - سه راه ادب ارسال نمایند.